
فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی

تألیف بهمن دهگان

www.ketab.ir

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

گروه نشر آثار / تهران ۱۳۸۳

فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی

تألیف بهمن دهگان

ویراستاران: شیرین عزیزی مقدم، شوکت صابری

نسخه‌پردازان: آمنه چلوبی بیدگلی، شیدا قدوسی، گلناز انشار

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چاپ اول: ۱۳۸۳

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۶۴ - ۷۵۳۱ - ۱۸ - ۴

ISBN: 964-7531-18-4

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

دهگان، بهمن، ۱۳۳۰ -

فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی / تألیف بهمن دهگان. - تهران: فرهنگستان زبان و ادب

فارسی، نشر آثار، ۱۳۸۳.

هفده، ۱۱۰۰ ص. - (فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۲۱)

ISBN 964-7531-18-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. ضرب‌المثل‌های فارسی - واژه‌نامه‌ها. الف. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. گروه نشر آثار. ب.

عنوان.

۳۹۸/۹۶۰۳

PIR۳۹۹۶/د۹۵۰۴

۸۳-۲۱۹۹۵م

کتابخانه ملی ایران

نشانی ناشر: تهران، ولنجک، خ پانزدهم شرقی، شماره ۳۶، فرهنگستان زبان و ادب فارسی

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۶۳۹۴ تلفن: ۲۴۱۴۳۹۳-۸-۸ دورنگار: ۲۴۱۴۳۵۶

نشانی وب‌گاد: WWW.Persianacademy.ir

فهرست

دباجه	هفت
متن ضرب‌المثل‌ها	۱
پیوست‌ها	۱۰۴۹
۱. مصطلحات رانندگان □ ۲. مصطلحات دانش‌آموزان □ ۳. مصطلحات فروشندگان □ ۴. نفرین‌ها □	
۵. دعاها □ ۶. صلوات‌ها □ ۷. چاووشی‌ها □ ۸. جمله‌های کاتبان □ ۹. قربان‌صدقه‌ها □ ۱۰. وردها □	
۱۱. جمله‌های سرآغاز □ ۱۲. نوشته‌های سقاخانه‌ای □ ۱۳. نوحه‌ها □ ۱۴. کلیشه‌ها □	
۱۵. سوگندها □ ۱۶. ضرب‌المثل‌ها و شعرهای دستکاری‌شده □ ۱۷. شعرها و جمله‌های طنزآمیز □	
۱۸. روایت‌های اصلی جمله‌های اقتباسی □ ۱۹. بازی با کلمات □ ۲۰. جمله‌های داستانی □	
۲۱. امثال و حکم عربی □ ۲۲. ضرب‌المثل‌های ترکی □ ۲۳. تهدیدها □ ۲۴. ضدتهدیدها □	
۲۵. رجزها □ ۲۶. خوابگزاری‌های منظوم □ ۲۷. پیشگویی‌های منظوم	

به نام خدا

دیباچه

چه نیازی موجب تدوین «فرهنگی جامع ضرب‌المثل‌های فارسی» شده است؟ اگرچه در شش هفت دههٔ اخیر مجموعه‌های خوبی در زمینهٔ ضرب‌المثل‌های فارسی منتشر شده است، هنوز جای مجموعه‌ای جامع، دقیق، پیراسته، روزآمد و آسان‌یاب خالی است. مجموعه‌ای که

— دربرگیرندهٔ ضرب‌المثل‌های قدیم و جدید باشد؛

— تمام یا بیشتر روایت‌ها را دقیق و صحیح ضبط کرده و از هرگونه دخل و تصرف به‌دور باشد؛

— نام‌گویندگان شناخته‌شدهٔ جمله‌های قصار را آورده باشد و اقتباس یا انتساب آنها را مشخص کرده باشد؛

— شسته رفته باشد و صرفاً به موضوع پرداخته باشد و عاری از هرگونه اظهار نظر شخصی باشد؛

— آسان‌یاب باشد، به‌گونه‌ای که خواننده به‌سرعت و به‌سهولت جمله مورد نظر خود را بیابد؛

— با بهره‌گیری از شیوه‌های نو در فرهنگ‌نویسی، صرفه‌جویی لازم را در جا کرده باشد.

گردآوری این فرهنگ حاصل سال‌ها کار و کوشش برای رسیدن به هدف‌های بالاست. تقسیم‌بندی موضوعی کتاب (بیش از هشتصد موضوع)، که برای نخستین بار در زبان فارسی صورت می‌گیرد، به‌همراه ارجاعات لازم، چشم‌انداز گسترده‌ای از زمینه ذهن ایرانی در دسترس خواننده می‌گذارد و او را با متداول‌ترین، جالب‌ترین و ژرف‌ترین گفته‌های ایرانیان آشنا می‌کند.

تعاریف

ضرب المثل یا مثل یا مثلِ سایر: جمله‌ای است زبانه‌گروهی از مردم در دوره‌ای از زمان. ضرب المثل دلالت بر مفهومی عام دارد و گوینده یا سازنده اصلی و نخستین آن ناشناخته است:

در مثل مناقشه نیست.

ترکی عادت موجبِ مرض است.

هزار دوست کم است و یک دشمن بسیار.

یک دانه گندم یک پشت ناخن نان می‌دهد.

آب قیمتی ندارد، آبرو مثقالی هزار تومن است.

جملهٔ مثلی: جمله‌ای است زبانه‌گروهی از مردم در دوره‌ای از زمان. جملهٔ مثلی به موردی خاص اشاره می‌کند و گوینده یا سازنده اصلی و نخستین آن ناشناخته است:

دستِ پشتِ سر ندارد.

دستِ شما را می‌بوسد.

جا تر است و بچه نیست.

مگر من سر گنج نشسته‌ام؟

انگار کمرِ رستم را شکسته.

یک پیاله ماست، یک پیاله دوغ، از ته دروغ.

تمثیل: ضرب المثل قصه‌دار است. در مواردی حکایت تمثیل فراموش شده است. پاره‌ای از تمثیل‌ها بدون ذکر قصهٔ آن مفهوم روشنی برای شنونده ندارد. در این فرهنگ تمثیل‌ها با نشانهٔ ○ مشخص شده است:

علی ماند و حوض ○.

بکوب بکوب همان است که دیدی ○.

یک بار جستی ملخک، دو بار جستی ملخک، آخر تو مشتی ملخک. ○

جملهٔ قصار: ضرب المثل یا جمله‌ای مثلی است که گوینده آن شناخته شده است:

چنان که افتد و دانی (گلستان)

قناعت توانگر کند مرد را (بوستان)

عیب می جمله چو گفתי هنرش نیز بگو (حافظ)

سالی که نکوست از بهارش پیداست (شیخ بهایی)

در ذکر نام گوینده تقدیم زمانی رعایت شده است. مثلاً «نکویی کن و در آب انداز» را ظاهراً نخستین بار خیام در رباعیات خود آورده است و پس از او کمال اسماعیل، عبید زاکانی، حافظ و دیگران نقل کرده‌اند. بنابراین، تنها نام خیام در کنار این گفته آمده است. یا در شعر بابا افضل به «از کوزه همان برون تراود که در اوست» برمی‌خوریم که، پیش از او، در کلیله و دمنه به کار رفته است.

گفته‌هایی که، با تغییر، در زبان مردم یا نوشته‌ها رواج دارد با نشانه «*» مشخص شده است.^۱ برای یافتن اصل آنها، خواننده می‌تواند به پیوست «روایت‌های اصلی جمله‌های اقتباسی»، در پایان کتاب، مراجعه کند:

دستی از غیب برون آید و کاری بکند (حافظ*)

مرا به خیر تو امید نیست شرمرسان (گلستان*)

مشک آن است که خود بیوید نه آن که عطار بگوید. (گلستان*)

خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دوصد لعنت بر این تقلید باد (مولوی*)
نشانه ** برای جمله‌های منسوب است:

ز گهواره تا گور دانش بجوی (فردوسی**)

ای من غلام آن که دلش با زبان یکی است (حافظ**)

گیرم پدر تو بود فاضل از فضل پدر تو را چه حاصل (سعدی**)
برای تشخیص جمله‌های اقتباسی و انتسابی، مراجعه به متون انتقادی ادبیات فارسی ضرورت دارد. از جمله منابعی که گردآورنده به آنها رجوع کرده است، عبارت‌اند از:

دیوان حافظ، به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، انتشارات خوارزمی، ج ۲، تهران ۱۳۶۲؛ گلستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۶۸؛ بوستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، ج ۲، تهران ۱۳۶۳.

در بعضی موارد، به جای نام گویندگان، نام کتاب‌های مشهور آنها آمده است، مانند:

۱. در مواردی که تفاوت جمله رایج با اصل آن فقط در حذف یکی دو کلمه است، از نشانه خاصی استفاده نشده است، برای مثال: «پیوند عمر بسته به مویی است هوش دار» به صورت «پیوند عمر بسته به مویی است» به کار می‌رود و در این فرهنگ نیز همین گونه ضبط شده است (ویراستاران).

کیمیای سعادت (از امام محمد غزالی)، قابوس نامه، کلیله و دمنه، مرزبان نامه. آنچه از بوستان است با «بوستان» و آنچه از گلستان است با «گلستان» مشخص شده است و منظور از «سعدی» گفته‌های دیگر اوست که از کلیات سعدی (به‌اهتمام محمدعلی فروغی، انتشارات امیرکبیر، ج ۳، تهران ۱۳۶۲) انتخاب شده است.

اصطلاح: ترکیب ویژه و ثابتی از دو یا چند واژه است که، در بیشتر موارد، مفهومی متفاوت با آنچه تک‌تک واژه‌های آن القا می‌کند دارد:

مثلِ گاوِ پیشانی سفید

مته به خشخاش گذاشتن

هندوانه زیر بغلِ کسی گذاشتن

اصطلاحات در این فرهنگ نیامده است.

کلیشه: ترکیب و ساختِ ویژه‌ای از واژه‌هاست که با واژه یا واژه‌های دیگر تکمیل می‌شود:

دری به تخته خورد و...

... دم شتر به زمین می‌رسد.

نونت نبود، آبت نبود، ... چی بود؟

که برای نمونه، می‌توان آنها را چنین تکمیل کرد:

دری به تخته خورد و رضایی مدیرکل شد.

تا تو بخواهی خانه را تعمیر کنی دم شتر به زمین می‌رسد.

نونت نبود، آبت نبود، زن گرفتنت چی بود؟

کلیشه‌ها جزء پیوست‌ها آمده است.

شیوه تنظیم

مجموعه‌های ضرب‌المثل را دست‌کم به سه روش می‌توان آماده کرد:

— تقسیم‌بندی حرف به حرف، که آسان‌ترین شیوه از نظر تدوین و بدترین شیوه برای خوانندگان است. در این روش، یافتن هر گفته دشوار و وقت‌گیر است، به‌ویژه اگر چنین مجموعه‌ای دربردارنده فهرست‌های لازم نباشد. هم‌چنین، روایت‌های گوناگون هر ضرب‌المثل پراکنده و بی‌نظم ضبط می‌شود و گفته‌ها هیچ‌گونه ارتباط معنایی ندارند. امثال و حکم دهخدا و بسیاری از مجموعه‌های دیگر به این سبک فراهم آمده است.

— تقسیم‌بندی واژه‌ای، که هر ضرب‌المثل زیر مهم‌ترین واژه یا واژه‌های خود ثبت می‌شود. عیب این شیوه آن است که اگر گفته‌ای چهار یا پنج واژه مهم داشته باشد، چهار یا پنج بار تکرار می‌شود. در نتیجه، حجم کتاب بسیار افزایش می‌یابد. به علاوه، پراکندگی ضرب‌المثل‌های مشابه با واژه‌های مترادف (یا مخالف با واژه‌های متضاد) خواننده را از درک کلی «به هم پیوستگی» مثل‌ها محروم می‌کند. برای رفع این نقیصه، گردآورنده مجبور به دادن ارجاعات بسیار است که هم‌چنان بر صفحات کتاب می‌افزاید. کتاب کوچک شاملو بر این اساس تنظیم شده است.

— تقسیم‌بندی موضوعی، که ضرب‌المثل‌های با واژه‌های مشابه زیر یک عنوان می‌آید. شیوه تدوین کتاب حاضر چنین است. برای نمونه، ضرب‌المثل‌هایی که دربرگیرنده واژه‌های «بچه»، «بچگی»، «کودک»، «طفل»، «اولاد»، و «فرزند» هستند همگی زیر شناسه «بچه» آمده‌اند. گزینش شناسه بر مبنای بیشترین نویت کاربرد آن در ضرب‌المثل‌هاست. عنوان‌های فرعی، بلافاصله بعد از شناسه، با حروف کوچک‌تر مشخص شده است. عبارت «نیز نک.» برای ارجاعاتی به کار رفته است که، به نحوی، با موضوع ارتباط دارند و برای خواننده می‌توانند راهنما باشند. تنظیم ضرب‌المثل‌های هر موضوع نیز به گونه‌ای است که نوعی ارتباط منطقی (تشابه یا تضاد در مفاهیم یا واژه‌ها) میان آنها برقرار باشد. بنابراین نگاه به جمله‌های پس و پیش مفید خواهد بود.

نشانه‌ها

*	اقتباس از
**	منسوب به
#	امکان تغییر در شخص ضمیر
/	جداکننده واژه‌های جانشین
()	واژه یا واژه‌های جانشین
—	نشانه تک‌بیت یا آغاز چند بیت به هم پیوسته
=	روایت دیگر جمله قصار بالا
>>	امکان جابه‌جایی مصراع‌ها
○	تمثیل

[] امکان حذف واژه یا واژه‌های درون قلاب

.. حذف حرف یا حروف

... تکرار واژه‌های ابتدای جمله یا جمله‌های بالا

.... تکرار واژه‌های پایانی جمله یا جمله‌های بالا

طبقه‌بندی ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها را از سه جهت می‌توان طبقه‌بندی کرد: جغرافیایی، قدمت، نحوه کاربرد. از نظر جغرافیایی مثل‌ها محلی، نیمه‌ملی و ملی است. ضرب‌المثل‌های محلی تنها در یک منطقه به کار می‌روند و معمولاً دارای واژه‌ها و نام‌های محلی‌اند:

رو دست می‌رود رو گردۀ آدم. (ملایر)

خون‌دار «خلیل ماهونی» شدم. (کرمان)

خدای «بوگوده» غضب، چی کردی یا من عزب. (گیلان)

فرمان خدا و لطف بنده، «کلنجار» آمده ترمه ببنده. (شیراز)

هفت بون و هفت «بُرگه»، امان از گرگ بزرگه. (چهارمحال)

ضرب‌المثل‌های نیمه‌ملی در دو یا چند منطقه کاربرد دارند:

درخت مکر زن صد ریشه دارد فلک از دست زن اندیشه دارد

مثل‌های ملی را در بیشتر نقاط به کار می‌برند گرچه گاهی با روایت‌های گوناگون:

خر ما از کرگی دم نداشت.

وقتی که جیک جیک مستونت بود یاد زمستونت نبود؟

با توسعه وسایل ارتباطی و جابه‌جایی گروه‌های بزرگی از مردم در قرن اخیر، ضرب‌المثل‌ها نیز کم‌کم از حالت محلی خارج می‌شوند و در نواحی دیگر رواج می‌یابند. نظر بر این بوده است که ضرب‌المثل‌های محلی متداول در بین تهرانیان نیز ثبت شود. احتمالاً تعدادی مثل محلی، نامتداول در تهران، هم درون این مجموعه وارد شده که با تذکار خوانندگان، در چاپ‌های بعدی، حذف خواهد شد.

در این فرهنگ، هم‌چنین خواننده به ضرب‌المثل‌های فرهنگی‌ای برمی‌خورد که در زبان فارسی کاملاً جا افتاده‌اند و شناسنامه ایرانی گرفته‌اند. از جمله:

تاریخ تکرار می‌شود.

احتیاج مادرِ اختراع است.

تفرقه بینداز و حکومت کن.

هدف وسیله را توجیه می‌کند.

انقلاب فرزندانِش را می‌خورد.

شاه باید سلطنت کند نه حکومت.

دروغ هرچه بزرگ‌تر باشد مردم زودتر باور می‌کنند.

جمله آخر، در نوشته‌های فارسی، گاهی به گویس نسبت داده می‌شود، حال آن که از هیتلر است. «از یک پرستو تابستان نشود»، که در امثال و حکم دهخدا آمده است، جزو مثل‌های فرنگی‌ای است که در زبان فارسی کاربرد ندارند. امثال عربی رایج در زبان فارسی نیز در پیوست شماره ۲۱ آمده است.

از نظر قدمت، مثل‌ها به قدیمی و نو تقسیم می‌شوند. نمونه‌هایی از بر ساخته‌های تازه به‌قرار زیر است:

ارتش چرا ندارد.

مگر می‌خواهی موشک هوا کنی؟

خالی‌بندان در جهان صنعتگرند.

سه «پ» موفقیت: پول، پارتی، پررویی.

ماشینِ مشهدیِ ممدلی، نه بوقِ دازه نه صدلی.

خر کیه؟ موتورسوار، خرتر کیه؟ پشتش سوار.

سعی شده جمله‌های کوتاهی که، در دهه‌های اخیر، بر سر زبان‌ها افتاده از قلم نیفتد:

کشتیبان را سیاستی دگر آمد. (احمد فرام)

هرچه مردم می‌گویند درست است. (سعيد نفیسی)

هوا بسن ناجوانمردانه سرد است (مهدی اخوان ثالث)

هر جا ملت است، آن جا مجلس است. (محمد مصدق)

پرواز را به‌خاطر بسیار، پرنده مردنی است (فروغ فرخزاد)

ایرج دهقان، شهریار، صادق سرمد، ابراهیم اخوی، پروین اعتصامی، علی شریعتی،

پروین بامداد، حمید مصدق، حسن رضیانی، عباس فرات، غلامرضا روحانی، ملک الشعراء

بهار، محمد اقبال، وثوق‌الدوله، محمود فرخ، نظام وفا، دهقان سامانی، و رمضان کفاش از

جمله کسانی‌اند که نامشان در این فرهنگ آمده است.

از جهت کاربرد، مثل‌ها نوشتاری و رسمی یا گفتاری و عامیانه است. «در گفتن اثری هست که در نگفتن نیست» نمونه مثل رسمی است و «تا پول داری رفیقتم، قریون بندِ کیفتم» نمونه مثل عامیانه است. از انقلاب مشروطیت به این سو، با ساده شدن زبان نوشتاری و خلق ادبیات نو (شعر نو و داستان‌ها و نمایشنامه‌های به سبک غربی) و گسترش مطبوعات و باسواد شدن بخش عظیمی از مردم، زبان نوشتاری و گفتاری به هم نزدیک شده است. طبعاً، ضرب‌المثل‌های کوچک و بازار نیز به نوشته‌ها راه یافته است، بدان‌سان که در بعضی موارد تشخیص این دو از یکدیگر بسیار دشوار و گاه ناممکن است. یکی از نتایج این امر شکسته‌نویسی است که مشکل بزرگی، به‌ویژه بر سرِ راه داستان‌نویسان، ایجاد کرده است. این فرهنگ نیز، که با هر دو گروه ضرب‌المثل‌ها سر و کار دارد، به‌دور از این معضل نیست. مثلهایی که بیشتر حالت محاوره و عامیانه دارند به‌صورت شکسته ثبت شده‌اند. تا ایجاد معیاری یکدست و پذیرفتنی راهی دراز در پیش داریم.

نکته دیگر این که بعضی از مثل‌ها را هم پیوسته می‌توان نوشت و هم به‌شکل بیت و در قالب دو مصراع، مانند:

با کسی آشنا نمی‌گردم، چون شدم آشنا نمی‌گردم.
که چنین نیز آورده‌اند:
با کسی آشنا نمی‌گردم چون شدم آشنا نمی‌گردم

منابع

مهم‌ترین منابع مثل‌ها عبارت‌اند از:

- امینی، امیرقلی، فرهنگ عوام، دانشگاه اصفهان، ج ۳، ۲، ج. اصفهان ۱۳۵۰-۱۳۵۳.
بهمنیار، احمد، داستان‌نامه بهمنیاری، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۶۱.
دهخدا، علی‌اکبر، امثال و حکم، امیرکبیر، ج ۲، ۴، ج. تهران ۱۳۳۹. (پس از مجمع‌الامثال هبله‌رودی، امثال و حکم دومین و مشهورترین مجموعه ضرب‌المثل است. این کتاب از نظر پند و اندرز و حکمت در ادبیات کلاسیک فارسی و نیز امثال و حکم عربی غنی است.^۱ سیدمحمد دبیرسیاقی گزیده

۱. مجتبی مینوی در جلسه یادبود هدایت در ۲۵ فروردین ۱۳۳۱ سخنرانی‌ای ایراد کرد و از جمله گفت: «آقای

مفیدی از این کتاب فراهم آورده که با مقدمه سودمندی منتشر شده است.

شاملو، احمد، کتاب کوچه، مازیار، ۷ ج، تهران ۱۳۵۷-۱۳۷۲.

شکورزاده، ابراهیم، ده هزار مثل فارسی و بیست و پنج هزار معادل آنها، آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۲.

شهری، جعفر، قند و نمک: ضرب‌المثل‌های تهرانی به زبان محاوره، اسماعیلیان، تهران ۱۳۷۰.

هبله‌رودی، محمدعلی، مجمع‌الامثال، ویراسته صادق کیا، وزارت فرهنگ و هنر، تهران ۱۳۴۴. (از کهن‌ترین مجموعه‌هاست که در ۱۰۴۹ قمری نوشته شده است.)

هریک از منابع زیر ضرب‌المثل‌هایی دارد که در مجموعه‌های دیگر نیامده است:

آذرلی، غلامرضا، ضرب‌المثل‌های مشهور ایران، ارغوان، تهران ۱۳۶۸.

بهار، هادی، بدن انسان در امثال فارسی، گردآورنده، امریکا ۱۳۷۰.

جمال‌زاده، سیدمحمدعلی، فرهنگ لغات عامیانه، فرهنگ ایران‌زمین، تهران ۱۳۴۱.

جمشیدی‌پور، یوسف، فرهنگ امثال فارسی، فروغی، تهران ۱۳۳۷.

جودت، حسین، مضمون‌ها و مثل‌ها و گفتارهای کوتاه و دلچسب و آموزنده، ۲ ج،

گردآورنده، تهران ۱۳۵۴-۱۳۵۷.

حییم، س، امثال فارسی - انگلیسی، یهودا بروخیم، تهران ۱۳۳۴.

خدایار، امیرمسعود، اندرزها و امثال‌های مصطلح در زبان فارسی، خورشید، تهران ۱۳۶۴.

* میرزا علی‌اکبرخان دهخدا کتاب امثال و حکم را می‌نوشتند و هر یک از دوستان و آشنایان ایشان هرچه می‌یافت و هر قدر می‌توانست به ایشان کمک می‌کرد. پیش از همه کس صادق هدایت به ایشان کمک کرد. مجموعه‌ای داشت از امثال عامیانه در یک کتاب دویست صفحهای که در حدود دوهزار مثل در آن نوشته بود. این کتاب را بی‌مضایقه تقدیم آقای دهخدا کرد و نمی‌دانم که هرگز از ایشان پس گرفت یا نه. «به نقل از: مجتبی مینوی، نقد حال، ۱۳۵۱، ص ۴۶۱). نکته حیرت‌انگیز این جاست که دهخدا با آن که خود یکی از پیشروان سبک نو و ساده‌نویسی است و چرند و پرند او، به سبب نثر خودمانی و محاوره‌ای و استفاده فراوان از ضرب‌المثل‌ها، هنوز برای بسیاری جذاب و دلنشین است. بعضی امثال را حذف کرده، برخی را به شکل «ادبی» تغییر داده و تعدادی را به صورت «مؤدبانه» درآورده است. در پاره‌ای موارد نیز دیدگاه اخلاقی خود را در مثل‌ها گنجانده است. شاید با توجه به این مطلب بود که صادق هدایت، در ۱۳۲۴، در مجله سخن نوشت: «جستجوی فلک‌الرکاب تفریحی نیست... سندی که در آن دست برده‌اند یا جملات آن را ادبی و از حال طبیعی خارج کرده‌اند و یا گردآورنده مطابق سلیقه خود افکار اخلاقی یا مذهبی و یا پند و اندرز حکیمانه در آن گنجانیده باشد هیچ ارزش علمی نخواهد داشت.» (نوشته‌های پراکنده، ص ۴۷۱). دلیل آن را شاید چنین بتوان حدس زد: زمانی که دهخدا چرند و پرند را در روزهای پرجوش و خروش انقلاب مشروطیت می‌نوشت، روزنامه‌نگار بود و هنگامی که امثال و حکم را، در سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱، در فضای سنگین و دل‌مرد رضاشاهی، به چاپخانه می‌سپرد ادیب و محقق.

سهیلی، مهدی، ضرب‌المثل‌های معروف ایران، شرق، تهران ۱۳۴۹.
 عظیمی، صادق، فرهنگِ مثل‌ها و اصطلاحاتِ متداول در زبانِ فارسی، پیام، لندن ۱۳۶۹.
 کتیرایی، محمود، زبان و فرهنگ مردم، توکا، تهران ۱۳۵۷.
 میراسکندری، محمدتقی، دوهزار و پانصد امثله، گردآورنده، لندن ۱۳۶۹.
 برای مطالعه در زمینهٔ مثل‌ها و جمله‌های قصارِ منظوم و تحقیق دربارهٔ گویندگان اشعار، منابع زیر سودمند است:

حقیقت سمنانی، محمدعلی، ضرب‌المثل‌های منظوم فارسی، گزاره، تهران ۱۳۷۴.
 حمیدی، سیدجعفر، ماشین‌نوشته‌ها، نسل دانش، تهران ۱۳۶۹.
 شعاعی، حمید، امثال شعر فارسی، گوتنبرگ، تهران ۱۳۵۱.
 عقیقی، رحیم، مثل‌ها و حکمت‌ها در آثارِ شاعرانِ قرن سوم تا یازدهم هجری، سروش، تهران ۱۳۷۱.

گلچین معانی، احمد، مضامین مشترک در شعر فارسی، پازنگ، تهران ۱۳۶۹.
 زهرا مزارعی، امثالِ سائره و پندهایِ موزون، لوکس، شیراز ۱۳۶۰.
 بیشتر مجموعه‌های ضرب‌المثل، کم و بیش، حکایتِ تمثیل‌ها را هم نقل کرده‌اند، اما منابع زیر فقط به تمثیل‌ها پرداخته‌اند:

آذری یزدی، مهدی، قصه‌ها و مثل‌ها، شرقی، تهران ۱۳۶۴.
 امینی، امیرقلی، داستان‌های امثال، ج ۲، بی‌نا، اصفهان ۱۳۵۱.
 انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم، تمثیل و مثل، امیرکبیر، ج ۲، تهران ۱۳۵۷.
 برقی، سیدیحیی، کاوشی در امثال و حکم فارسی، فروغی، تهران ۱۳۵۱.
 پرتوی آملی، مهدی، ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، ج ۲، سنایی، تهران ۱۳۶۵.
 حبله‌رودی، محمد، جامع‌التمثیل، علمی، تهران، بی‌تا.
 مرتضویان (فارسیانی)، سیدکمال‌الدین، داستان‌های امثال، تقفی، اصفهان ۱۳۴۰.
 وکیلان، احمد، تمثیل و مثل، سروش، تهران ۱۳۶۶. (این کتاب جلد دوم تمثیل و مثل انجری

است.)

به‌جز منابع بالا، نگارنده به کتاب‌ها، مجله‌ها و روزنامه‌های بسیاری مراجعه کرده است که فهرستِ کاملشان صفحات بسیاری را در بر خواهد گرفت. در این‌جا فقط اشاره می‌کنم که ادبیات داستانی نویسندگانِ معاصر، به‌ویژه آثارِ باستانیِ پازیزی و دورهٔ

شش جلدی تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم نوشته جعفر شهری از جمله این منابع بوده است.

در طی سالیانی که این مجموعه فراهم می‌آمد، دوستان بسیاری اوقاتِ گرانهای خود را، با گشاده‌رویی، در اختیار تدوین‌گر گذاشتند و شنیده‌ها و یادمانده‌های خود را نقل کردند. در این جا، به‌ویژه، باید یاد و سپاسگزاری کنم از خانم‌ها: سعیده مخدوم و پروانه کوچک سبکبار، و آقایان: علی عبداللّهی، مسعود وحیدی، فریدون صدیق، مجید جوادی، رضا ذاکری، نادر نظری، مهدی میرطاهری، رضا قربانی، محمد نوری، و بهروز حسینی. بدیهی است که مسئولیت هرگونه اشتباه احتمالی بر گردن گردآورنده این مجموعه است. آقای حسن نجف‌آبادی فراهانی و برادرانم روزبه و برزویه نیز در تهیه برخی منابع مرا یاری کردند که از هر سه ممنونم.

در پایان، یادآوری می‌شود که، بنا بر ملاحظات، تعدادی ضرب‌المثل از این مجموعه حذف شده است.

خوانندگانِ علاقه‌مند به تکمیل این مجموعه می‌توانند روایت‌های متفاوت و ضرب‌المثل‌هایی را که در این کتاب نیامده است، و هرگونه پیشنهاد و انتقادِ خود را به نشانی ناشر ارسال کنند تا در چاپ‌های احتمالی بعدی (در صورت تمایل به نام خودشان) ثبت شود.

بهمن دهگان

شهریور ۱۳۷۵